



شهروند مشارکت‌جو و نقش آن در مدیریت شهری (نمونه موردی: شهر ایلام)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۲

میرنجف موسوی

دانشیار دانشگاه ارومیه mousavi421@yahoo.com

مهدی یعقوبی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد ملایر
mehdi.yaghobi63@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

فرامرز قربانی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، پیام نور رشت
ghorbani_faramarz@yahoo.com

مرضیه حاتمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، پیام نور بیجار
mhatami1912@yahoo.com

چکیده

اگر بخواهیم در توسعه شهرهای امروزی، پاسخگوی احتیاجات امروزی باشیم و سهم نسل‌های آینده از منابع را در نظر بگیریم باید اداره خردمندان شهرها را بر پایه شهرسازی مشارکتی و مشارکت آگاهانه شهروندان تعریف و برنامه ریزی کنیم. حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی آنها با مسئولین و متخصصان و دستیابی هر چه سریع‌تر به خواسته‌ها و نیازهایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق فرایند شهرسازی مشارکتی میسر می‌شود. در حال حاضر جایگاه مشارکت شهروندان در شهرهای ایرانی، در حد ظاهر فریبانه و حداکثر اطلاع‌دهی و مشورت کردن است. هدف کلی از این مقاله نقش شهروند مشارکت‌جو در مدیریت شهری، در شهر ایلام می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای اسنادی و نیز میدانی (پرسشنامه) و نوع تحقیق کاربردی-توسعه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss استفاده شده است. روش‌های آماری مورد استفاده در این تحقیق کندال، رگرسیون چند متغیره است. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش میزان مشارکت بین شهروندان ایلامی در حد کم تا متوسط می‌باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت؛ شهروند مشارکت‌جو؛ مدیریت شهری، ایلام

۱- مقدمه

شواهد نشان می‌دهد در حالی که در سال ۱۹۵۰ تقریباً ۲۸ درصد و در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند، جهان همچنان با روند روبه رشد شهرنشینی روبه‌روست؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (Morgan, 2003). این رشد سریع و بی‌رویه شهرها و انبوه جمعیت شهرنشین جهان، بیش از هر زمان دیگری نه تنها معنای هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن را به ویژه در شهرهای بزرگ و مناطق پیرامون آنها تغییر داده؛ بلکه مدیریت شهری را به یکی از پیچیده‌ترین و اصلی‌ترین عرصه‌های روابط حکومت و مردم تبدیل کرده. مدیریت شهری در آینده به طور اعم و در قرن ۲۱ به طور اخص دچار نوعی چالش خواهد بود؛ چالشی که خود تابعی از تغییر و تحولات فناورانه، جمعیتی، اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی محسوب می‌شود (صالحی، ۱۳۸۱، ۵۱). مدیریت شهری مفهومی فراگیر است که هدف آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آنها با نتایج بهینه است. اندیشه‌های اولیه کارآمدی مدیریت شهری با مولفه‌هایی چون در خدمت‌گرفت سرمایه‌بشر، صنعتی شدن، نیروی کار بیشتر، و به طور کلی، در رشد کمی دیده می‌شد؛ ولی تجربه‌های جهانی، به ویژه مطالعات بانک جهانی، نشان داده است که این رویکرد نتوانسته بهبود فضای زیست را، به ویژه در کلانشهرها در پی داشته باشد و هر روز موانع زیست-محیطی، اقتصادی، اجتماعی و به طور کلی، فضایی این رویکردها نمایان‌تر می‌شود. رابطه شهر و شهروندی دوسویه است، انسانها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تاثیر قاطع و امکان‌ناپذیر دارد. اصلاح ساختار شهری و بهینه کردن شهرنشینی به اصلاح و بهینه کردن این رابطه نیاز دارد که مدیریت شهری سازماندهی این ارتباط را بر عهده دارد، و باید همه جوانب موضوع را مدنظر داشته، با دقت بررسی نماید، چرا که دستیابی به شهر ایده‌آل (شهر پارک، روان، سبز، پویا، فرهنگی) راهی طولانی و خطیری پیش روی ما نهاده است و تلاش عظیمی می‌طلبد (جاجرمی و دیگران، ۱۳۷۷، ۱۰). مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی است. مشارکت، فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور

توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنهاست و به همین خاطر شاید در سالها اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن راندند (عباس زاده، ۱۳۸۷، ۴۴). بنابراین می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده، افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده ایفا نماید (عباس زاده، ۱۳۸۷، ۴۴). اگر شهروندان، مشارکت در شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت، شهروندان در قالب گروه‌های کاری به شکل گیری و تقویت خصایصی، نظیر خود رهبری، خود مسئولیت‌ورزی مبادرت ورزیده، زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند ساخت. نهایت امر اینکه، مشارکت عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی گردیده، از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌کنند و به اعتقاد صاحب‌نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد (الموند و همکاران، ۱۳۷۷، ۴۲).

هدف کلی از این مقاله بررسی نقش شهروندان مشارکت‌جو در مدیریت شهری ایلام است، در صورتی که هنوز شهرسازی مشارکت در این شهر تحقق پیدا نکرده، و مدیران شهری اعتقادی به مشارکت شهروندان ندارند. این درحالی است که شهروندان بیش از هر کارشناس به مسائل شهری واقف هستند و میتوانند با هر تصمیم‌گیری و مشارکت در امور شهری بر پویایی و عمران و آبادانی شهر کمک فزاینده‌ای بنمایند.

۲- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- هر چه احساس تعلق شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری بیشتر می‌شود.
- ۲- میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اقتصادی و اجتماعی مرتبط است.
- ۳- به نظر می‌رسد بین جنسیت و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

۳- متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل: پایگاه اجتماعی، اقتصادی، رضایت شهروندان از خدمات شهری و احساس تعلق اجتماعی شهروندان

متغیر تابع: مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

۴- روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده، که بخشی از اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای بدست آمده و بخش دیگر آن از طریق مطالعات میدانی و پرسشنامه‌جامعه آماری این تحقیق همه ساکنان شهر ایلام می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت این شهر ۱۷۲۲۱۳ نفر بوده است. روش نمونه برداری از جامعه آماری تصادفی است. برآورد حجم نمونه نیز با استفاده از روش کوکران صورت گرفته است. با توجه به جمعیت شهر ایلام (۱۷۲۲۱۳)، با استفاده از فرمول کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۰، ۱۱۷) حدود ۳۰۰ پرسشنامه مورد نیاز بوده. در ساخت پرسشنامه و سنجش متغیرها، از طیف لیکرات استفاده شده است که پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS پردازش و در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اعتبار پرسشنامه به صورت اعتبار صوری انجام شده بدین صورت که پس از طراحی پرسشنامه و در اختیار متخصصان گذاشتن آن، به توافق کلی آنها در مورد اعتبار پرسشنامه رسیدیم. برای پایایی متغیرهای پژوهش از طریق آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب الفای کرونباخ در گروه نمونه مورد مطالعه برابر با ۰/۸۶، محاسبه گردید که نشان‌دهنده همخوانی بالای سوالات پرسشنامه با هم می‌باشد.

پیشنهاد است و تمایلی به مشارکت در حیطه عمل و اجرا ندارد (کلدی، ۱۳۸۶). به نظر غفاری مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که در آن افراد جامعه به صورت آگاهانه، دوطالبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که منجر به سهمین شدن در منابع می‌شود، فعالیت می‌کنند. به نظر غفاری، نمود عینی مشارکت وجود نهادهایی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیر دولتی است (غفاری، ۱۳۸۰). علوی تبار در تحقیقی با عنوان مشارکت در اداره امور شهر، به تاثیر متغیرهای آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، جنس، تحصیلات، عضویت در تشکله‌ها بر مشارکت اجتماعی پرداخته است. دو متغیر آگاهی اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و سطح تحصیلات با مشارکت اجتماعی رابطه معنادار داشته است (علوی تبار، ۱۳۷۹). به نظر پیران مشارکت اجتماعی به معنای تخصصی کلمه زمانی امکان پذیر است که فرد صاحب حقوق داشته باشد. به نظر پیران، ایرانیان در امور مذهبی سخت مشارکت جویند، ولی در امور مدنی و اجتماعی مشارکت جو نیستند (پیران، ۱۳۷۸). دوچرتی و همکاران (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد به این نتیجه رسیدند که فرهنگ مدنی، نهادهای سیاسی، سیاست‌های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان موثر است. اوهمر (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان مشارکت شهروندان در سازمانهای محله و ارتباط آن با خودکار آمدی، اثر بخشی جمعی، حس تعلق، به این نتیجه رسید که: مشارکت روزانه اعضای سازمان‌ها با یکدیگر باعث افزایش خودکارآمدی، اثربخشی و حس اجتماعی می‌شود.

۶- مبانی نظری تحقیق

۱-۶- شهروندی

شهروندی ایده‌ای است که در اروپایی غربی زاده شد. در قرن شانزدهم هم‌زمان با فراگیر شدنش انتشار یافت، این موضوع یکی از فرایندهای جامعه مدرن است و در عرصه جامعه‌شناسی دارای تعریفی خاص و عموماً برجسته از نگرش عقلانی نسبت به قانون و افراد در جامعه است. (عباسی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۷)

شهروندی همانطور که روشن است از مشتقات شهر است. شهروندی قالب پیشرفته "شهروندی" می‌دانند. به اعتقاد برخی از کارشناسان، شهروندی هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت‌های خویش

۵- پیشینه تحقیق

رضادوست و همکاران در تحقیقی با عنوان عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان ایلام، به این نتایج دست یافتند که متغیرهای وضعیت اشتغال، تاهل، تحصیلات، عضویت در تشکلهای اجتماعی و شرکت در انتخابات با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه‌ی معناداری دارد و به طور کلی مشارکت اجتماعی در بین شهروندان شهر ایلام هنوز به عنوان یک مولفه مدرن شناخته نشده است (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۸). کلدی در پژوهشی در منطقه ۷ تهران دریافت که نگرش شهروندان در باب مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه

در قبال شهر و اجتماع عمل می‌نمایند به "شهروندی" ارتقا یافته‌اند. شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهر بررسی می‌شد اما پیش از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده است. (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۴)

شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری عدالت و استقلال دلالت دارد. شهروندی عضویت فعال یا غیر فعال فرد در دولت با حقوق جهانی معین و برابری در تعهدات در سطح مشخص شده است. شهروندی جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع حق شامل حقوق مدنی-حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است. شهروندی منزلتی را نشان می‌دهد که با قانون اعطا می‌شود. در عین حال، با این مفهوم نشان می‌دهد که اشخاص به اعتبار جایگاهشان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوقی هستند. بر اساس این رویکرد، چون افراد در زندگی مشترک، خواه در فعالیت اقتصادی یا امور فرهنگی و تعهد سیاسی، همگان از لحاظ اخلاقی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند. شهروندی در واقع شرایط عضویت در واحدهای سیاسی (معمولا دولت ملی) است که از حقوق و امتیازات ویژه کسانی محافظت می‌کند که وظایف معینی را انجام می‌دهند. شهروندی بیش از آن که نظریه باشد، مفهومی است که با شرایط کامل در یک جامعه رسمیت می‌دهد. مفهوم شهروندی معرف نقطه اتصالی میان جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. با نگاهی به ادبیات گسترده نظریه‌های شهروندی می‌توان دریافت که این تعاریف هسته مشترکی دارند: نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، استعماری و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (صرافی، ۱۳۸۷، ۱۱۸-۱۲۰)

۶-۲- ویژگی‌های شهروند مشارکت جو

شهرسازی با مردم مقوله‌ای حساس است که در شرایط خاص، مسئولیت دولت‌ها را در پاسخ به اراده ملی

افزایش می‌دهد. در این شرایط این مسئله بیشتر حول جلب توجه افکار عمومی به قانون اساسی و ایجاد زمینه‌های لازم برای کار گروهی شراکت و تعاملات اجتماعی دور می‌زند. (Stiglitz, ۱۹۹۹). برای گسترش برنامه‌ریزی شهری با مردم در زمینه موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی جامعه در درجه اول نیازمند شهروندانی با ویژگی‌های لازم است. برای برنامه‌ریزی با مردم، باید انسانها را آموزش داد و در آنها مهارت‌های نگرش و دانش مورد نیاز را به وجود آورد. مشارکت مستلزم داشتن آگاهی‌های لازم، مهارت‌های موثر و نگرش‌های ارزنده است. دانش و مهارت، تعریف مساله، تجزیه و تحلیل مساله، شناخت هدف، روابط انسانی اثر بخش، تصمیم‌گیری، زندگی گروهی و روح جمعی از جمله مهمترین موضوعاتی است که در آموزش افراد باید به آنها پرداخت. (سرکارآنی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۹ و ۱۶۰). انسان مداخله‌گر در برنامه‌ریزی شهری انعطاف‌پذیر است، انسانی که انعطاف‌پذیر نیست تصمیم خود را گرفته است و از این رو قادر نیست حتی تمهیدات لازم برای برنامه‌ریزی شهری با مردم را در خود فراهم کند. کسب از جمله مهارت‌های دیگر خوداندیشی است. با آموزش شهروندی همه چیز پایان نمی‌پذیرد. کسب این مهارت‌ها با فرصت‌هایی برای تمرین و ممارست نیاز دارد. (سرکارآنی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۹ و ۱۶۰)

بایستی محیط و شرایطی به غایت شفاف و همراه با شناخت داشته باشیم و مهارت و نگرش‌های سازنده در ارتباط با مشارکت را در افراد تقویت کنیم. قطعاً در جایی این مساله را باید آموزش داد و از آن گذشته فرصت تمرین مهارت‌های لازم شرکت مردم به وجود آورد. این کار در بسیاری از کشورها در دوره آموزش عمومی صورت می‌گیرد. به اعتقاد برنامه‌ریزان شهری، شهروندان توانا برای شرکت در فرایند شهرسازی باید حداقل دارای ویژگی‌هایی مانند توانایی کار و همکاری با دیگران و داشتن روح جمعی باشند و به عنوان اعضای فعال جامعه، در حل مشکلات با شیوه‌های غیر خشونت‌آمیز باشند، تمایل به کوشش و تلاش در جهت بهبود شرایط زندگی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی همراه با درک حدود و لزوم احترام به حقوق انسان‌ها، توانایی پذیرش قواعد و هنجارهای تعریف شده را در روابط اجتماعی یعنی همان قواعد بازی و احترام به دیگران و پذیرش قواعد مردم سالاری در فعالیت‌های جمعی داشته باشند. (حسینی، ۱۳۸۸، صص ۲۸ و ۲۹)

۶-۳- گذری بر تاریخ مشارکت شهروندی

مشارکت شهروندی و جامعه مدنی سابقه غنی و طولانی دارد و از دوران یونان باستان تا به امروز همواره به اشکال گوناگون در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها بروز کرده است (ملکواین، ۱۳۷۷، ۱۶۹). خاستگاه آغازین آن دولت-شهر آتن در یونان باستان می‌باشد. در تمدن یونان باستان مشارکت شهروندی در اداره امور شهرها از اهمیت بسزایی برخوردار بود. عقیده یونانیان بر این بود که انسانها تنها در کشورهای کوچک می‌توانند حالت انسانی و آزادی‌خواهی خویش را حفظ کنند و به عنوان یک شهروند شناخته شوند. به اعتقاد آنان زیست در یک کشوری بزرگ که از یک مرکز حکومتی به همه جای آن حکم رانده شود انسان را تبدیل به برده خواهد نمود. به این ترتیب تنها دولت شهرها هستند که می‌توانند به انسان به عنوان شهروند هویت بخشند (نقی زاده، ۱۳۸۱، ۱۷-۱۶). در این دولت شهرها به جز بردگان و بیگانگان و زنان تمامی دیگر اعضای جامعه در صورتی شهروند محسوب می‌شدند و در شورای مدیریت شهر عضو داشتند، که با مشارکت سیاسی ارتباط نزدیکی داشته باشند (ارسطو، ۱۳۶۴، ۶). استدلال ارسطو بر این بود کسی که در اداره امور جامعه هیچ شرکتی نکند یا حیوان است یا خدا! فردی برای این که یک انسان واقعی باشد بایستی یک شهروند فعال در جامعه اش باشد (Clarke, 1994, 36). شهروندان یونان باستان به عنوان قانون گذاران و مجریان امور خود را اداره می‌کردند و همه شهروندان از حق سخن گفتن و رای دادن در مجمع سیاسی برخوردار بوده اند (فالکس، ۱۳۸۱، ۲۹). در تمدن رومی رگه‌های شهروندی در حد نخبگان سیاسی یا سایر پاترسین‌ها و اشراف مشاهده می‌شود و توده مردم نقش در جامعه سیاسی نداشته اند، برخی از الزامات نیم بند دموکراسی یونانی در قالب انتخاب امپراتوران رومی، مجلس سنا و تریبون‌ها وجود دارد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ۲۷). در چین دوره مشارکت شهروندی به تدریج ارتباط خود را با مشارکت سیاسی از دست داده و در عوض به ابزاری جهت کنترل و آرام سازی مبدل گردید. در واقع امپراتوری رومی جهت تضعیف منابع نارضایتی اجتماعی اعطای شهروندی به مردم مبادرت ورزید که بطور فزاینده‌ای یک مفهوم سطحی و قانونی داشت و به عنوان ابزار کنترل اجتماعی بود (فالکس ۱۳۸۱، ۳۲). در دوره قرون وسطی مسیحی که مقارن با زوال امپراتوری روم باستان (سده سوم ب.م) و تقسیم آن به دو دوره امپراطوری روم غربی و شرقی بود. نقش

شهروندی اهمیت خود را از دست داد به طوری که با شکل‌گیری فراماسیون فئودالیزم، رعیت به جای شهروند جلوه‌گر شد و نظام شهروندی جای خود را به ارباب رعیتی داد و شهروندی دولت شهر و جامعه سیاسی جای خود را به بندگی کلیسا و پاپ و نیز رعیت پادشاه، لرد، سینیور و اسالها داد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ۲۷). در نتیجه کلیسا به عنوان محوری برای وفاداری و هدایت اخلاقی جای جامعه سیاسی را گرفت. در این دوره اعمال شهروندی در چندین شهر جمهوری ایتالیا از جمله ونیز و فلورانس تجلی یافت (فالکس، ۱۳۸۱، ۳۳). شهروندی در شهرهای قرون وسطی به خصوص در اواخر این دوره با توسعه اقتصاد پولی و فعالیت‌های صنعتی همراه بود. به طوری که با شکل‌گیری نظام ارباب رعیتی طبقات سلسله مراتبی در شهروندی ایجاد گردید. شهروندی این دوره در ظهور شهروندی مدرن نقش قاطعی را ایفا نمود (riesonberi, 1992, 184). در دوره رنسانس (سده ۱۵ م) مشارکت شهروندی، اصولا با ظهور تفکرات فلسفه سیاسی و پیچیده‌تر شده نظام روابط، مفهومی جدید پیدا می‌کند. در این دوره تامین حقوق شهروندی و مشارکت به مثابه تجلی ماهیت انسان نبود بلکه واکنشی در برابر سیستم‌های حکومتی و مدیریتی بود. در این دوره مشارکت شهروندی به طور سطحی و جامعه حقوقی متمایز شده به ظاهر مساوات گرایانه و قدرت دولت‌ها بیشتر و وظایف شهروندان محدود شده بود و اساسا دارای ماهیت سکولار بود (held, 1996, 38). مشارکت شهروندی از این دوره به بعد با توسعه تفکرات لیبرال همراه است. با گسترش نظریه‌های سیاسی و اجتماعی و ارتقای سطح آمادگی مردم مشارکت شهروندی به عنوان ابزاری جهت کنترل اجتماعی و تامین منافع حکومت از سوی و در جهت جذب کردن گروه‌های بالقوه مخرب به درون نظام‌های حکومتی و سیاسی از سوی دیگر ارتباط داشت. در واقع شهروندی در دوره مدرن به جهت حفظ حاکمیت دیدگاه‌های حاکم و ممانعت از ستیزهای داخلی و خارجی دولت‌ها صورت گرفته است و با مفهوم دولت-ملت پیوند خورده است. دوره پست مدرن دوره‌ای است که با نقاد از دوره مدرن ظهور می‌کند. دوره‌ای که در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته عناصر تاریخی گذشته برتری می‌یابند به طوری که این دوره، هم انتخابی از هر گونه سنت گذشته است هم ادامه تجدد و ماورای آن (بحرینی، ۱۳۷۸، ۱۲۷). مشارکت شهروندی به صورت مشارکت توده‌ای ظاهر می‌شود، مشارکت توده‌ای فرایندی است که طی آن شهروندان از مجراهایی چون

نهادهای سازمانها و تشکلهای آنها به نقش آفرینی و اداره امور خود می‌پردازد (شفیعی، ۱۳۸۱، ۴۹). خصلت کثرت‌گرایی این دوره به تنوع و گوناگونی و تعدد نهادهای سیاسی و اجتماعی در اداره امور رفاهی و محلی می‌انجامید که نتیجه آن تشکیل سازمانهای محلی و مردمی است. در دوره فرامردن زنان، جوانان، گروه‌های قومی، فرهنگی و قشرهای تخصصی نقش‌های کلیدی و مهمی را در جهت ایجاد نهادهای مستقل مدنی برای احقاق حقوق اجتماعی و اقتصادی در مقابل نهاد دولت ایفا می‌کنند (عظیمی، ۱۳۸۱، ۱۲۹). در فرایند جهانی شدن که حدود جغرافیایی و مرزهای ملی دولت‌ها ناپدید می‌شوند و نگرش به جهان به عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته مطرح می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۰، ۳۸). و به تعبیر دیوید هاروی فشردگی زمان و مکان به وجود می‌آید، آزادی اجتماعی و مدنی ملت‌ها کاهش می‌یابد. تسلط کشورهای پیشرفته و بزرگ به لحاظ اقتصادی بر کشورهای فقیر مفهوم شهروندی را در جهت گسترش نهادهای محلی و مدنی کم رنگ می‌کند. به اعتقاد برخی از نویسندگان دولت‌ها جهت نیل به منافع خود و تضمین حقوق شهروندان به جای شهروندی حقوق بشر را ضامن اصلی استقلال فرد می‌دانند (فالکس، ۱۳۸۱، ۱۷۷).

۶-۴- مبانی نظری مرتبط با مشارکت و مدیریت شهری

مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از

حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. بنابراین، هنگامی که شهر دارای مشکلات و نارسایی‌هایی در چرخه امور خود است و از مشکلات بهداشتی شهری و آلودگی‌های محیطی و اقسام آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برد و بحران‌هایی همچون مسکن، ضعف در ظرفیت کافی تأسیسات عمومی، بیکاری، کمی درآمد، زاغه نشینی، مشقت‌های اجتماعی، رشد خودروی شهری و بی‌هویتی در شکل‌گیری بافت‌ها و ساختمان‌ها را تجربه می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که مدیریت شهری آن در تنگنا و نارسایی به سر می‌برد. در این باره، مدیریت شهری باید ضمن داشتن برنامه برای وضع موجود شهر و فائق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کند و بر اساس آنها به ترسیم آینده ایده‌آلی بپردازد که بر مبنای واقعیتها و شرایط زمان و مکان است. در این باره، مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد (شیعه، ۱۳۸۲، ۳۹). حال که افزایش نیازهای انسانی و مشکلات زیست محیطی شهری را در ابعاد وسیع شاهدیم، مواردی چون رعایت ترافیک، توجه به فضای سبز، همکاری با شهرداریها در زمینه رعایت ساخت و ساز، جمع‌آوری زباله و مسائل عدیده دیگر نمایانگر مشکلاتی است که امروزه با آنها روبرو هستیم (marshal, 2004, 22) از میان پیامدهای مثبتی که تقویت، قانونمندی و عقلانی کردن رابطه دو طرفه شهروندان و شهرداریها و نیز مدیریت شهری و به ویژه شهرداریها را به دنبال دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ۴):

• حقوق	• شهروندی
- برخورداری از حقوق شهروندی؛	- حسن تعلق اجتماعی و اعتماد شهری؛
- بهره‌مندی برابر از کالاها و خدمات شهری؛	- پرداخت مالیات‌ها و عوارض شهری؛
- تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های شهری؛	- بازتولید مستمر الگوهای فرهنگی شهری و شهروندی؛
- دخالت موثر در انتخابات مقامات محلی و شهری؛	- تمکین حقوقی-مدنی از قانون شهرداریها؛
- برخورداری از ایمنی شهری؛	- مسئولیت‌پذیری شهروندی.
- دسترسی به اطلاعات شهری	
• شهرداری	• وظایف
- داشتن نگرش شهروندی-مشارکتی به زندگی و مدیریت شهری؛	- پذیرش فرهنگ شهروندی و زندگی شهری؛
- شهروند سازی؛	- دریافت مالیات‌ها و عوارض شهری؛
- آموزش و فرهنگ شهری؛	- تمکین نسبت به قوانین شهرداری؛
- تأمین کالا و خدمات مورد نیاز شهروندی؛	- شراکت و همکاری با شهرداری؛
- پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری؛	- مسئولیت‌پذیری شهری؛
- ایمن سازی زندگی شهری؛	- استفاده قانون‌مندانانه از منابع و امکانات شهروندان
- اطلاع رسانی	

سازوکار رابطه شهروندی و شهرداری، حقوق و وظایف متقابل (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ۴۲)

می‌دهد و از جنبه‌هایی که مجازات دارد اجتناب می‌ورزد (علفیان، ۱۳۷۹، ۹۰). بر اساس نظریه وبر، می‌توان به رابطه رضایت از خدمات شهری و مشارکت اجتماعی اشاره کرد. بر این اساس، کسانی که احساس رضایت بیشتری از خدمات شهری دارند، بیشتر به سمت فعالیت در اجتماع گرایش پیدا می‌کنند.

دانیل لرنر مشارکت را به عنوان یکی از متغیرهای مهم و توسعه و تجدد به حساب می‌آورد و معتقد است زمینه‌های انجام مشارکت عبارتند از: آمادگی ذهنی، شهرنشینی، تحصیلات و سنتی نبودن. به عبارت دیگر، لرنر معتقد است پتانسیل توسعه در جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که مشارکت اجتماعی و سیاسی و وسایل ارتباط جمعی در حد نسبتاً بالایی در آن جامعه فراهم شده باشد و این منوط به رشد شهرنشینی با داشتن امکانات فراوان در آن جامعه است (ازکیا، ۱۳۸۰، ۹۴). به طور کلی، لرنر مشارکت اجتماعی را یکی از مولفه‌های نوسازی تاکید دارد، اما متغیرهای مادی شهرنشینی را نیز در نظر دارد. در این تحقیق متغیرهای تحصیلات، وضعیت اشتغال، درآمد و... از این نظریه استنتاج است.

۸- محدوده مورد مطالعه

استان ایلام در غرب ایران با مساحت حدود ۲۰۱۵۰ کیلو متر مربع، تقریباً ۱/۲ از مساحت کل کشور، را تشکیل می‌دهد. استان ایلام در عرض شمالی بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه از خط استوا و طول شرقی ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه از نصف النهار مبداء (گرینویچ) در غرب سلسله جبال عظیم زاگرس واقع شده است. این استان از طرف شمال، با استان کرمانشاه از طرف شرق با استان لرستان، از طرف جنوب با استان خوزستان و در غرب با کشور عراق با طول مرز مشترکی در حدود ۴۲۵ کیلومتر مربع واقع شده است. بخش بزرگی از استان ایلام به دلیل استقرار در رشته کوه زاگرس کوهستانی می‌باشد. در جهت شمال غربی- جنوب شرقی استان، کوه مرتفع و وسیع کبیر کوه به طول تقریبی ۱۶۰ کیلومتر مربع و با قله وزین به ارتفاع ۳۰۶۲ متر از سطح دریا، مانشت به ارتفاع ۲۶۵۶ متر از سطح دریا قرار دارد. شهر ایلام در

-بسط توانایی‌های شهروندان؛

-تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری؛

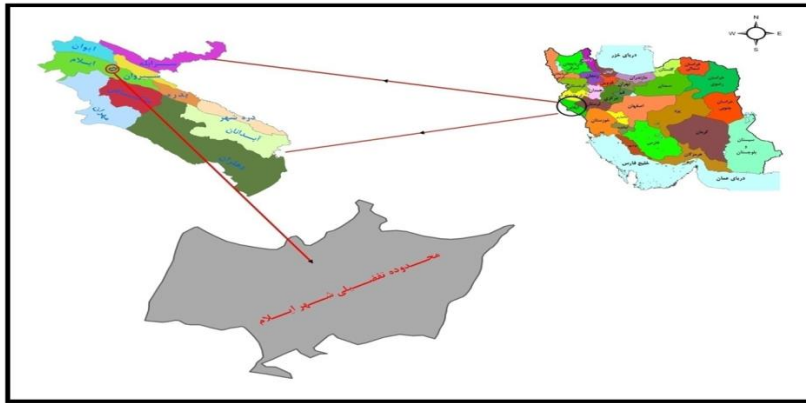
-تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و شهرداری؛

-تقویت حس همکاری میان شهروندان و شهرداری و مدیران شهری؛

-تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف-حقوق شهروندی و شهرداری.

۷- مبانی نظری مرتبط با فرضیه‌های پژوهش

مبانی نظری تحقیق بر دیدگاه‌های روان شناختی و جامعه‌شناختی مشارکت مبتنی است. در دیدگاه روان شناختی مشارکت بر عوامل روانی و درونی تاکید می‌شود. از این دیدگاه، متغیرهای درونی همان تفاوت در ظرفیت‌هایی است که سبب می‌شوند افراد از حیث آمادگی برای واکنش‌های مشارکتی افراد، عوامل درونی را ذکر کرده‌اند ساخت انگیزشی را تعیین کننده نگرش‌های فردی در مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی تاکید می‌شود. از این نظر، در بررسی فعالیت‌های مشارکتی افراد باید به میزان احساس تعلق به آنها به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادهای فردی و نیز انگیزه پیشرفت، انگیزه شایستگی و انگیزه کار توجه داشت (کلدی، ۱۳۸۶، ۷۶). ماکس وبر در تبیین مشارکت بر اساس شیوه‌های ذهنی، معتقد است که مشارکت عملی است که رابطه با اعمال دیگران انجام می‌گیرد و برای عامل کنش، معنی و مفهوم ذهنی خاصی قائل است. او معتقد است که در تفهیم عمل اجتماعی باید انگیزه‌ها و عوامل اجتماعی را جست‌وجو کرد. زیاد بودن تعداد افراد احتمال قابل پیش‌بینی بودن رفتارشان را بر اساس یک معنا جهت می‌دهد. این معنا ممکن است در چهارچوب مقرراتی جست‌وجو شود، یا در عاداتی نهفته باشد، یا شامل ارزش‌ها و باورهای اجتماعی باشد، به نحوی که هر یک از آنها دلایل مساعدی برای جهت دادن به رفتار خاص خود ببینند. بر اساس این دیدگاه، کنش افراد بر اساس اصل پاداش و مجازات قابل کنترل و تغییر پذیر است؛ یعنی هر فرد به جنبه‌هایی که مجازات دارد، پاسخ



نقشه (۱): موقعیت استان و شهر ایلام

یک هویت منطقه‌ای ایلامی شده است. غیبت گروه قومی فارس در این استان از دیگر عواملی هستند که در عدم شکل‌گیری هویت مستقل منطقه‌ای موثر بوده و این موضوع مانع فرهنگی مهمی بر سر راه توسعه شهری می‌باشد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۱، ۱۴-۱۸).

۹-۳- ضعف سابقه شهرنشینی

شهر ایلام، مهم‌ترین شهر استان تا سال ۱۳۰۸ روستایی بوده که قلعه والی پشتکوه در نزدیکی آن قرار داشت و محل بیلاق طایفه ده بالا بوده است. از آن زمان، حسین آباد پشتکوه به تصویب فرهنگستان نام ایلام گرفت و شهر محسوب شد. تخته قاپو کردن و یکجانشینی تدریجی عشایر، ضعف اقتصاد کشاورزی و زندگی روستایی همراه با جنگ تحمیلی با عراق که ساکنان روستاها و شهرک‌های مرزی را از صحنه کارزار به سوی شهر ایلام کوچان و با قطع ارتباط تجاری شغلی با شهرهای عراق فعالیت اقتصادی را کاهش داد، دست به دست هم دادن و جمعیت را به سوی شهرهای کوچک منطقه و به ویژه شهر ایلام کشانیدند. به طوری که شهر ایلام را در طول تاریخ ۶۰ ساله خود هیچ فعالیت اقتصادی مهمی در آن رواج نداشته از محل بیلاق ده بالا به شهری با جمعیت حدود ۸ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۶۰۳۵۵ در سال ۱۳۸۵ تبدیل کرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

۹-۴- زندگی و فرهنگ قبیله‌ای (فرهنگ

روستایی)

در ایلام فرهنگ قبیله‌ای و عشایری حضور قدرتمند دارد. مردم کاملاً بر اساس وابستگی قومی-طایفه‌ای خود شناخته می‌شوند و توزیع جمعیت در محلات شهر هم بر

موقعیت ۴۶ درجه طول جغرافیایی و ۳۳ درجه عرض جغرافیایی قرار گرفته است. شهر ایلام جزئی از تمدن بزرگ ایلام باستان است که در گذر زمان دارای اسامی مختلفی چون آلام، آلامتو، اریوجان، پهلوی، ماسبندان، جبال و پشتکوه بوده است. در عصر صفویه از سال ۱۰۰۶ هجری قمری تحت عنوان پشتکوه در قلمرو حکومت والیان قرار داشته و در زمان فتحعلی شاه مقر حکومت والی از خرم آباد به ایلام (پشتکوه) منتقل شد (افشار سیستان، ۱۳۷۲: ۶۳۲).

۹- یافته‌های تحقیق

۹-۱- چالش‌های اساسی مدیریت شهری و شهروند

مشارکت جو در ایلام

شالوده و بنیان ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر ایلام آمیزه‌ای از فرهنگ سنتی ایلیاتی-عشایری با اسلوب شهرنشینی که توسط مهاجران و صاحب منصبانی که جهت تصدی امور سیاسی-اداری به این استان وارد شده‌اند می‌باشند. سه عامل زیر اساسی‌ترین ویژگی‌هایی هستند که روحیات اجتماعی و منش قومی این منطقه از کشور را شکل می‌دهند و در عین حال اساسی‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی مدیریت شهری محسوب می‌گردند.

۹-۲- فقدان هویت منطقه‌ای مستقل

ایلام یک واحد اداری-سیاسی که بنا به ملاحظات سیاسی و اداری ایجاد شده است. پیوندهای میان کردها به خاطر فرهنگ مشترک قومی استحکام خوبی دارد، طبیعتاً هویت کردی را غنای بیشتری می‌بخشد و هویت ایلامی در مقایسه با آن رنگ می‌بازد. در نهایت وفاداری این مردم به گروه قومی خود بسیار بیشتر است تا به شهر ایلام. این موضوع مانعی مهمی در به وجود آمدن

۸۰۰ هزار و ۱۰،۹ درصد گروه نمونه کمتر از ۴۹۹ هزار تومن درآمد داشته‌اند.

۹-۶- بررسی نقش شهروند مشارکت‌جو در مدیریت شهری

برای بررسی نقش شهروند مشارکت‌جو در مدیریت شهری از ده گویه استفاده شده، که بر مبنای طیف ۵ مقیاسی لیکرت است، که میزان مشارکت در جدول زیر آمده است. نتایج نشان می‌دهد که بالاترین میزان مشارکت در مدیریت شهری مربوط به مشارکت در برگزاری مراسم‌ها و پرداخت عوارض شهری است. و کمترین میزان مشارکت در اطلاع‌رسانی مشکلات شهری به مدیران شهری و توجه به ساخت و ساز می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت میزان مشارکت

این اساس است. همه مردم این شهر به هر حال به طایفه و ایل و قومی منتسب می‌شوند و همه بر این وابستگی طایفه‌ای خویش آگاهی دارند. هر عضو طایفه نظرات مشترکی با سایر اعضا طایفه در مورد مسائل اجتماعی دارد و هر قبیله دارای تعصبات خاص خود است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴، ۲۱). شهر ایلام از چهار منطقه و ۱۴ ناحیه تشکیل شده که هر ناحیه شامل چند محله می‌باشد و محلات معمولاً به صورت غالب به قوم خاصی تعلق دارد. مثلاً بانبور بیشتر ایل خزل و شوهان در آن مستقر است این بافت قومی معضلات فراوانی در راستای تحقق فرهنگ شهروندی گردیده است. از جمله نگرش‌های غالب در شهر ایلام بی‌توجهی به شهر و امکانات و تسهیلات موجود در شهر و توجه به طایفه خود می‌باشد.

بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	گویه‌ها
6.4	20.9	28.2	16.4	۲۷/۳	اطلاع‌رسانی مشکلات شهری به مدیران شهری
5.5	20.0	38.1	29.1	7.3	توجه به قوانین در ساخت و ساز
7.3	18.2	35.5	32.7	5.5	مشارکت در حفظ پارک‌ها
31.8	18.2	۶/۴	30.9	12.7	مشارکت در برگزاری مراسم
8.2	25.5	42.7	17.3	6.4	مشارکت در پرداخت عوارض شهری
11.8	30.0	31.8	21.8	۴/۶	مشارکت در حل مشکلات شهری
11.8	24.5	30.9	25.5	7.3	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی
8.2	20.0	16.4	39.1	۱۶/۴	ارائه نظر و پیشنهاد به مدیران شهری
13.6	31.8	25.5	24.5	4.5	میزان مشارکت در اداره امور شهری
8.2	18.2	37.3	9.1	۲۷/۳	ارزیابی میزان خدمات‌رسانی از طرف مدیران شهری

شهروندان ایلامی در مدیریت شهری در حد کم تا متوسطی است، که این موضع بیشتر به دلیل بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای شهر ایلام و ضعف سابقه شهرنشینی در این شهر است.

اثبات فرضیات

۱- **بنظر می‌رسد که هر چه احساس تعلق شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری بیشتر می‌شود.**

جدول شماره (۱) ارتباط میان تعلق اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها را نشان می‌دهد. برای آزمون این فرضیه به دلیل رتبه‌ای بودن متغیرها از آزمون ناپارامتریک کندال استفاده شده است. این شاخص مشخص می‌کند که تا چه میزان افزایش یا کاهش در یک متغیر، با افزایش یا کاهش در متغیر دیگر همراه است. مقدار ضریب کندال همواره ۱- تا ۱+ در نوسان است. با توجه به اینکه مقدار sig یا p-value برابر صفر

۹-۵- یافته‌های توصیفی

با توجه به اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه ۵۶ درصد گروه نمونه مرد و ۴۴ دیگر زن می‌باشند. از لحاظ میزان تحصیلات ۵۰،۹ درصد گروه نمونه لیسانس، ۲۳،۶ درصد دیپلم و ۱۴،۵ درصد نیز فوق دیپلم. همچنین میزان تحصیلات ۱۰،۹ درصد گروه نمونه فوق لیسانس و بالاتر می‌باشد. به لحاظ بعد خانوار ۶۰ درصد گروه نمونه بین ۲ تا ۵ نفر و ۲۹،۱ بیش از ۵ نفر و ۱۰،۹ درصد از گروه نمونه کمتر از ۲ نفر می‌باشند. شغل ۲۷،۳ درصد گروه نمونه آزاد، ۲۵،۵ درصد دانشجو، ۱۰ درصد خصوصی و ۴،۵ درصد نیز کارمند و ۳۲،۷ درصد گروه نمونه بیکار هستند. همچنین ۳۱،۸ گروه نمونه دارای مسکن و ۳۰،۲ درصد گروه نمونه فاقد مسکن می‌باشند. از لحاظ میزان درآمد ۶۰ درصد گروه نمونه بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان، ۲۹،۱ درصد گروه نمونه بیش از



جدول شماره (۱) آزمون کندال به منظور بررسی رابطه بین تعلق اجتماعی و مشارکت

		مشارکت		تعلق اجتماعی	
کندال-tau-b	مشارکت	ضریب همبستگی	1.000	.512**	
		آزمون دو دامنه	.	.000	
		تعداد	110	110	
	تعلق اجتماعی	ضریب همبستگی	.512**	1.000	
		آزمون دو دامنه	.000	.	
		تعداد	110	110	

	مشارکت					مجموع
	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
بسیار کم	1 20.0%	1 20.0%	3 60.0%	0 0.0%	0 0.0%	5 100.0%
کم	0 0.0%	0 0.0%	16 66.7%	8 33.3%	0 0.0%	24 100.0%
متوسط	0 0.0%	0 0.0%	19 54.3%	16 45.7%	0 0.0%	35 100.0%
زیاد	0 0.0%	0 0.0%	8 24.2%	25 75.8%	0 0.0%	33 100.0%
بسیار زیاد	0 0.0%	0 0.0%	0 0.0%	7 53.8%	6 46.2%	13 100.0%
مجموع	1 0.9%	1 0.9%	46 41.8%	56 50.9%	6 5.5%	110 100.0%

بیانگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان است، با میزان مشارکت آنها رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چه وضعیت شغلی، درآمد، مسکن و سطح تحصیلات در سطح مناسب‌تری باشد، مشارکت در مدیریت شهری بیشتر می‌شود.

ستون beta نشان از نقش موثر متغیر مستقل در پیش‌گویی کنندگی معادله رگرسیون دارد که بیشترین تاثیر را درآمد با مقدار $\beta=0.195$ و کمترین تاثیر را تحصیلات با مقدار $\beta=0.387$ دارد. همچنین اعداد beta در جدول بالا نشان می‌دهد که بین هر یک از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی با میزان مشارکت در مدیریت شهری رابطه مثبت و مستقیمی برقرار است.

است و این مقدار کمتر از 0.25 است. بنابراین یک رابطه معناداری بین مشارکت و تعلق اجتماعی وجود دارد و چون $r=0.512$ و $0 < r < 1$ است نتیجه می‌گیریم همبستگی از نوع مستقیم است و به این صورت تفسیر می‌شود که با افزایش تعلق اجتماعی میزان مشارکت نیز بیشتر می‌شود.

۲- میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اقتصادی و اجتماعی مرتبط است.

برای آزمون این فرضیه از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که بین عملکرد مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به عنوان متغیر وابسته نوع شغل، میزان درآمد، نوع مالکیت، میزان تحصیلات به عنوان متغیر مستقل که

جدول شماره (۲): همبستگی‌ها

Model	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	t	Sig.
	B	خطای استاندارد	Beta		
متغیر ثابت	35.995	3.470		10.373	.000
تحصیلات	-2.234	.578	-.387	-3.864	.000
خانوار	-.429	.837	-.046	-.512	.610
شغل	-.891	.465	-.183	-1.916	.058
مالکیت	.441	.666	.062	.662	.509
درآمد	1.267	.620	.195	2.044	.044

۳- به نظر می‌رسد بین جنسیت و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

برابری واریانس‌ها، معیار تصمیمی (sig(2-tailed) برابر 0.434 است که بسیار بزرگتر از 0.05 است و دلیل کافی برای رد H_0 وجود ندارد. یعنی با فرض برابر نبودن واریانس‌های دو جهت نیز همین نتیجه خواهد شد. در هر دو صورت این آزمون برابر مشارکت در زنان و مردان را تایید می‌کند.

جدول شامل دو آزمون است. آزمون اول برابری واریانس‌ها با تعداد ۰,۶۱۶ برای آماره F و با معیار تقسیم ۰,۴۴ نشان می‌دهد که فرض برابری واریانس‌ها را نمی‌توان رد کرد. یعنی با توجه به اطلاعات این نمونه، واریانس مشارکت بین زنان و مردان با هم برابر است. آزمون دوم، آزمون مقایسه میانگین‌هاست. در این آزمون

جدول شماره (۳) گروه آماری

خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنس
.73103	5.93895	30.9242	66	مرد
.91359	6.06008	31.7955	44	زن

نمونه تست مستقل

تی تست از برابری میانگین‌ها		تست برابری واریانس‌های لوبین	
df	t	Sig.	F
108	-.748	.434	.616
91.010	-.745		

نمونه‌های تست مستقل

فاصله اطمینان 95% تفاوت	خطای تفاوت استاندارد	تفاوت میانگین	تی تست از برابری میانگین‌ها	
			معنی‌دار بودن دو دامنه	معنی‌دار بودن دو دامنه
-3.18106	1.16531	-.87121	.456	واریانس برابر فرض شده مشارکت
-3.19541	1.17007	-.87121	.458	واریانس برابر فرض شده

۶- تشکیل شوراهای محله‌ای در سطح تمامی نواحی ایلام جهت بالا بردن میزان مشارکت و درگیر نمودن شهروندان در تصمیم‌گیری امور شهر
 ۷- ایجاد تحول اساسی و بنیادی در نظام برنامه ریزی، مدیریتی و اجرایی امور شهر به گونه‌ای که زمینه برای هماهنگی سازمان‌های متعدد دخیل در شهر فراهم شود
 ۸- ارائه عملکرد سالانه بودجه و برنامه‌های شهر در سطح شهر و اطلاع رسانی به عموم مردم به جهت اعتماد سازی شهروندان و جلب مشارکت آنها

راهکارها و پیشنهادات

- ۱- جلب اعتماد شهروندان از طریق به فعلیت رساندن نظرات شهروندان
- ۲- نظرخواهی از شهروندان در خصوص اجرای طرح‌های شهری
- ۳- ایجاد و راه‌اندازی خطوط تلفن مستقیم برای ارتباط مستقیم شهروندان با مدیران جهت ارائه مشکلات و خواست‌های خود
- ۴- برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی برای بالا بردن تعلق اجتماعی شهروندان
- ۵- توزیع عادلانه درآمد و امکانات و خدمات در سطح شهر؛ چنانچه شهروندان به امکانات و خدمات مورد نیازشان دسترسی نداشته باشند، مشارکت جای خود را به سرعت به بی‌علاقگی می‌دهد

نتیجه‌گیری

تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی در مدیریت شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت‌های اجتماعی پروژه‌های زیربنایی می‌گردد.

مشارکت مردمی که نوعی تمرکزگرایی در مدیریت شهری می‌باشد باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی-سیاسی می‌گردد. ولی از آنجا که سیستم حکومت و برنامه‌ریزی در ایران یک سیستم و برنامه متمرکز است بیشتر برنامه‌ها از بالا به پایین است، یعنی تمام تصمیمات از آن بالا گرفته می‌شود و باید در سطح مناطق کشور اجرا شود و این خود جایی برای مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باقی نمی‌گذارد. و این در حالی است که شهروندان هر شهر بهتر از هر کارشناس و کسی دیگر از مسائل و مشکلات شهر آگاه هستند، و اگر فرصت را به خود شهروندان بدهند می‌توان شهر و مدیریت شهری را به سوی آینده بهتر سوق داد. از آنجاییکه شالوده و بنیان ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر ایلام آمیزه‌ای از فرهنگ سنتی ایلیاتی-عشایری است، با اسلوب شهرنشینی زیاد همخوانی ندارد بحث مشارکت چندان بین شهروندان جا نیفتاده. ولی در سالهای اخیر با افزایش سطح سواد شهروندان و افزایش درآمد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهر رفته رفته شهروندان در مدیریت شهر مشارکت دارند. نتایج تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای احساس تعلق به محل زندگی و میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی شهروندانی که به محل سکونت خود وفادار بوده و به آن احساس تعلق خاطر می‌کنند، بیشتر از شهروندانی که چنین حسی را ندارند به مشارکت در امور شهری علاقمندند. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده بین عملکرد مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به عنوان متغیر وابسته نوع شغل، میزان درآمد، نوع مالکیت، میزان تحصیلات به عنوان متغیر مستقل که بیانگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان است، با میزان مشارکت آنها رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چه وضعیت شغلی، درآمد، مسکن و سطح تحصیلات در سطح مناسب‌تری باشد، مشارکت در مدیریت شهری بیشتر می‌شود.

منابع مأخذ

بحرینی، سید حسن (۱۳۸۷)، تجدد و فرتجدد پس از آن در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران
 پیران، پرویز (۱۳۸۷)، مشارکت اجتماعی فقدان آن در گذشته ایران و ضرورت آن در شرایط حاضر، نشریه آبان، شماره چهار

-جاجرمی، ایمان و همکاران (۱۳۳۸۳)، مدیریت شهری پایدار، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم، تهران
 غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
 حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم
 خادم‌الحسینی، احمد، عارفی‌پور، صفیه (۱۳۹۱)، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری، نشریه چشم انداز جغرافیایی، شماره ۱۹
 حسینی، سید علی، ۱۳۸۸، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با مردم، نشر فرهنگ ایلیا
 رضادوست (و دیگران) (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه شهری ایلام، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۵، دانشگاه اصفهان
 سرکارزانی، محمد رضا (۱۳۷۹) مشارکت و توسعه انسانی، تهران، فصلنامه سیاسی-اقتصادی
 شفیعی، حسن (۱۳۸۱)، شوراها و نهادینگی سیاسی، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۱
 صالحی یاسان (۱۳۸۵) بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهری شهر بجنورد، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران؛ دانشگاه علامه طباطبایی
 صرافی، مظفر، عبدالمهدی، مجید (۱۳۸۷) تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، دانشگاه تهران، فصل نامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره سوم
 عباسی، رقیه (۱۳۸۷) بررسی فرایند مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایرانی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
 علوی تبار، علی رضا (۱۳۷۹) بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها/تجارب ایران و جهان، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، جلد یکم، تهران
 عظیمی، ناصر (۱۳۸۱) پویا شهرنشینی و مبانی نظام شهری، نشر نیکا، تهران
 فالکس، کیث (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران

کلدی، علیرضا (۱۳۷۹) مشارکت در اداره امور شهرها، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران

لطفی، حیدر (و دیگران)، (۱۳۸۸) مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصل نامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، شماره یکم

موسی کاظمی محمدی، سید مهدی (۱۳۸۰) توسعه پایدار شهری؛ مفاهیم و دیدگاه‌ها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، تهران، شماره ۱۶

ملک‌واین، کتی (۱۳۷۷) جامعه مدنی و جغرافیای توسعه، ترجمه مرجان بدیعی ازندهای، پیشرفت در جغرافیای انسانی، مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس، تهران، شماره ۸

نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۱۸۳ و ۱۸۴، تهران

نجاتی حسینی، سید محمودی (۱۳۸۰) بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول

Clarke, p. 1994, Citizenshep, A, Reder, London, pluto press

held, D.1996, Models of Democracy, Camberige, polity press

riesonbery, P, 1996, Citizenship in the western tradition. Chapel, Hill, university of north Carolina press

STIGLITJ, 1999, PARTICIPATION AND DEVELOPMENT PERSPECTIVES FROM THE COMPREHNSIVE DEVELOPMENT PARDIGM. INTERNATIONAL ON DEMOCERACY, SEOUL, KOREA

Docherty, I. goodlad, R. (2001). Civic culture community and citizen participation in contrasting neighbourhoods, urban studies, vol. 38, no 12, pp 2225

Ohmer, M. I (2007). citizen participation in contrasting neighbourhoods in poor communities and relationship toneighbourhood and organizational collective efficacy, journal of sociology and social welfare, vol, XXXIII, NO 1, PP 179

